

واحد فنی:

مدیر فنی: حامد یزدانی، مدیر هنری: مهدی سلامی
طراح گرافیک و صفحه آرایی: حمید یزدانی، سعید غفوری و امید روشنگر
ویرایش عکس: کامبیز نویدی، صفحه خوانی: فرهاد غلامر ضایی، فاطمه ناصری آلاشتی

صندوق پستی: ۱۹۳۹۵۵۴۴۶

تلفن: ۲۳۰۲۳۶۲۳

نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

چاپ: همشهری
توزیع و اشتراک: موسسه نشر گستر امروز نوین
پدیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر، نرسیده به پارکوی، کوچه شهید قریشی، شماره ۱۴، روزنامه همشهری

همشهری

گروه ضمايم همشهری ناشر نشریات:
دوچرخه، بچه‌ها، خانواده، پایداری، اقتصاد،
تندرستی، خردنامه، داستان، دانستنیها،
سرمزین من، ماه، معماری، ۲۴، شهرنگار،
سرنخ و محله

همشهری

معمای جنایی

سوء ظن



پاسخ‌هایتان را از طریق پیامک
به شماره ۳۰۰۰۹۹۹۰۱ ارسال
کنید. به ۳ نفر از افرادی که
پاسخ درست را ارسال کرده
باشند به قید قرعه کارت هدیه
۵۰۰ هزار تومانی اهدا می‌شود.

پاسخ معمای شماره ۱۴

در معمای جنایی شماره قبل اشاره شد که زن و شوهری جوان به منطقه‌ای جنگلی رفته بودند که در آنجا خودرویشان به دلیل تمام شدن بنزین خاموش شد.

مرد جوان تصمیم گرفت با پای پیاده خودش را به یک پمپ بنزین برساند. او درها را قفل کرد و از همسرش جدا شد تا به پمپ بنزین برود اما یک ساعت بعد برگشت و همسرش را دید که روی صندلی افتاده بود. با اینکه درهای ماشین قفل بود اما او غریبه‌ای را نیز در ماشین کنار همسرش دید. از شما پرسیده بودیم که این غریبه چه کسی است؟ همسر این مرد بازدار بود و زمانی که او برای تهیه بنزین رفته بود در ماشین دچار درد ناگهانی زایمان شده و فرزندش را به دنیا آورده بود.

برندگان

۰۹۳۰۲۵۸۲

۰۹۱۱۸۳۶۱

۰۹۳۳۴۵۵۶

۰۹۳۳۴۵۵۶

۵۰۰ هزار تومانی

شدند.

استخر رفتیم، همیشه در استخر همدیگر را می‌بینیم. امروز قبل از اینکه راه بیفتیم فرهاد تماس گرفت و گفت ماشینش روشن نمی‌شود و از من خواست که سر راه او را هم سوار کنم و با هم به استخر برویم. به استخر که رسیدیم متوجه شدم کیف پولم همراه نیست. شک کردم که آن را گم کرده‌ام یا در منزل جا مانده. با تلفن همراه مریم تماس گرفتم که تلفنش خاموش بود. با خودم گفتم اگر شماره تلفن خانه را بگیرم بچه‌ها از خواب بیدار می‌شوند. موسوی به بهانه‌ای گوشی سعید را گرفت و تماس‌ها را نگاه کرد. حرف‌هایش صحت داشت و تماس فرهاد با او در ساعت ۵:۵۵ دقیقه و تماس ناموفق او در ساعت ۵:۴۹ دقیقه بامداد با همسرش مریم ثبت شده بود. کارآگاه کمی فکر کرد و نتیجه گرفت هر دو نفر راست می‌گویند و متوجه شد که این اشتباه از کجا آب می‌خورد. او بعد به مریم توضیح داد و این گمان بد رفع شد. اما او چطور به این نتیجه رسید که هم مریم راست می‌گوید و هم شوهرش؟ پاسخ‌هایتان را بر ایمان پیامک کنید تا برنده جایزه ۵۰۰ هزار تومانی سرنخ شوید.

آقای موسوی یکی از فامیل‌های دور مریم است. کارآگاه بازنشسته پلیس که هر کس در فامیل مشکلی داشت با او در میان می‌گذاشت و کمک می‌گرفت. آن روز مریم با کارآگاه موسوی تماس گرفت و به خاطر مشکلی که برایش پیش آمده بود از او کمک خواست. او گفت: «شوهرم سعید به تازگی رفتارهای مشکوکی دارد. مثلاً دیشب قبل از خواب دمنوش درست کرد. خوردیم و خوابیدیم. ساعت ۵ صبح با صدای زنگ بیدار شد. قرار بود با دوستانش به استخر بروند. دقایقی بعد از بیدار شدن متوجه شدم دارد با کسی تلفنی صحبت می‌کند. آرام حرف می‌زد و زود هم قطع کرد. شنیدم گفت منتظر باش خودم را می‌رسانم. رفت و ساعت حدود ۹ صبح که بیدار شدم و تلفن همراهم را از حالت پرواز خارج کردم، پیامکی رسید که نشان می‌داد یک تماس از دست رفته از طرف سعید در ساعت ۲:۱۹ دقیقه بامداد دارم. فکر می‌کنم او با کسی رابطه دارد و در آن ساعت وقتی من خواب بودم قصد تماس با آن شخص را داشته که اشتباهی شماره من را گرفته است. گمان می‌کنم شوهرم با شخص مورد نظر قرار گذاشته و تماس ساعت ۵ صبح هم با آن فرد بوده و پیش از رفته است. مریم پیامکی را که دریافت کرده بود برای موسوی فرستاد. کارآگاه موسوی تصمیم گرفت هر طور شده به مریم کمک کند. او که با سعید دوست قدیمی بود به بهانه‌ای سراغ او رفت و سر صحبت را باز کرد. از او درباره برنامه‌های استخر پرسید. سعید توضیح داد که امروز صبح با فرهاد به

مرد بازنده

دیگری که در طول فیلم حضور دارند و رنگ و بوی ژانر نوآر آمریکایی می‌دهند. با این حال برخی منتقدان نیز باور دارند که فیلم براساس فیلم‌های پلیسی اروپایی ساخته شده و چندان ربطی به ژانر آمریکایی آن ندارد. در هر حال طرفدار هر کدام از این نظریه‌ها باشید باید بدانید که با یک فیلم پلیسی سرد و خشک روبه‌رو هستید که قصد دارد دنیای تیره و تاریک قتل و جنایت را به سردترین شکل ممکن به تصویر بکشد. جواد عزتی کارآگاه اصلی و قهرمان فیلم است و یکی از بهترین قهرمان‌هایی است که در فیلم‌های پلیسی ایرانی دیده شده است. شخصیت پردازی احمد خسروی در فیلم مرد بازنده با جزئیات کامل صورت گرفته و ما با یک تیپ شخصیتی کارآگاه که همیشه در فیلم‌های خارجی می‌بینیم روبه‌رو هستیم با این تفاوت که حالا نسخه‌ای ایرانی‌تر به تصویر کشیده شده و المان‌های بومی خوبی برای پردازش این شخصیت به کار رفته است.

فیلم

احمد خسروی، مسئول رسیدگی به پرونده‌های مشکوک به قتل می‌شود و در این روند به سرخ‌هایی دست پیدا می‌کند و ماجراهای غیرمنتظره‌ای برای او اتفاق می‌افتد که زندگی خصوصی‌اش را نیز دچار مخاطراتی می‌کند. مرد بازنده اثری از محمدحسین مهدویان است که مثل بسیاری از آثار ساخته شده توسط او رنگ و بوی سینمای اکشن، نوآر و معمایی دارد. مرد بازنده یکی از پیچیده‌ترین فیلم‌های پلیسی ایرانی به شمار می‌رود. لابه‌لای پنهانی در بطن فیلمنامه مرد بازنده وجود دارد که تماشاگر می‌تواند با بازگشایی آنها، تعبیر خاصی از فیلم داشته باشد.

بسیاری از منتقدان سینمایی باور دارند که مرد بازنده از فیلم‌های نوآر آمریکایی برتر تاریخ سینما الهام گرفته و سعی کرده عناصر ژانر نوآر کلاسیک را در خود جای دهد. از قهرمانش که مردی به نام احمد خسروی با بازی بی‌ظن و گریم سنگین جواد عزتی است تا شخصیت‌های

قول

کتاب پلیسی



علی‌الله سلیمی، روزنامه‌نگار: کتاب «قول» نوشته فریدریش دورنمات، نویسنده سوئیسی از آثار جنایی و معمایی مطرح در این ژانر ادبی است که با ترجمه محمود حسینی‌زاد و از سوی انتشارات ماهی منتشر شده است.

البته حدود ۳ دهه پیش هم توسط عزت‌الله فولادوند به فارسی برگردانده شده بود. این کتاب ماجرای تراژیک و عجیب بازرس پلیسی را روایت می‌کند که سال‌ها منتظر نشسته تا قاتلی سریالی را بازداشت کند. سال‌ها قبل، در آخرین روزهای خدمت این بازرس، دختری نوجوان در دهکده‌ای آرام به قتل می‌رسد. این دختر که با تیغ اصلاح سر بریده بودند. بازرس در تحقیقاتش متوجه می‌شود که چند دختر دیگر هم در دهکده‌های مجاور به همین شیوه به قتل رسیده‌اند. او به این نتیجه می‌رسد که همه آنها قاتلی مشترک دارند. اگر چه کسی به این فرضیه چندان اعتقادی ندارد اما این بازرس برای یافتن قاتل دست به هر کاری می‌زند تا عاقبت نشانی از او می‌یابد. در این اثر جنایی و معمایی دورنمات به خوبی موفق می‌شود هولناکی ماجرا و انگیزه بازرس برای پیدا کردن قاتل را نشان دهد. قصه او در دهکده‌ای آرام در سوئیس اتفاق می‌افتد که هیچ‌گاه تجربه چنین جنایت‌های خونباری را نداشته است. این تضاد باعث می‌شود مخاطب برای فهمیدن راز قتل‌ها تا پایان همراه شود؛ پایدانی که بیش از همه برای این بازرس فداکار غم‌انگیز است. سوالات اصلی این کتاب این است که آیا صحیح است فردی را که به جرمی مرتکب نشده مجازات کنیم، در صورتی که مرتکب جرم دیگری نشده است که هرگز ثابت نشده است. بن‌مایه اصلی این کتاب مثل بسیاری از آثار دیگر دورنمات راجع به عدالت و جرم و جنایت است. گفته شده وقتی فردریش دورنمات به خاطر بیماری همسرش سخت به پول احتیاج داشته، تصمیم می‌گیرد داستان‌هایی عامه‌پسند بنویسد تا حق انتشار بیشتری به دست آورد. او به سراغ ژانر پلیسی می‌رود و سعی می‌کند رمان‌هایی ساده و کوتاه با قواعد آشنای ژانر بنویسد. اما نتیجه چنان درخشان بود که او را وادار کرد داستان‌های پلیسی دیگری هم بنویسد.

